

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال سوم. شماره دوازدهم. تابستان ۱۳۹۱

صفحات: ۶۳ - ۴۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۲

مقایسه هوش فرهنگی، هوش هیجانی، سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

پرویز عسگری*
خدیجه روشنی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه هوش فرهنگی، هوش هیجانی و سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد اسلامی اهواز بود. نمونه پژوهش ۲۵۰ نفر (۱۲۵ زن و ۱۲۵ مرد) بودند که با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیرها از مقیاس هوش فرهنگی انگ و همکاران، پرسشنامه هوش هیجانی شات و پرسشنامه سازگاری فردی-اجتماعی کالیفرنیا استفاده شد. پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه ای بود و برای تجزیه تحلیل داده ها از روش آماری تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) استفاده شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین هوش فرهنگی، هوش هیجانی و سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه های پژوهش تأیید شدند.

کلید واژگان: هوش فرهنگی، هوش هیجانی، سازگاری فردی-اجتماعی

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، گروه روانشناسی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول: askary47@yahoo.com)

** کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، گروه روانشناسی، اهواز، ایران.

مقدمه

با رجوع به حال و گذشته روان شناسی، این حقیقت نمایان می شود که این علم هرگز به طور کامل از اهمیت فرهنگ غافل نشده و مفاهیم فرهنگ، قومیت، تنوع و نژاد تقریباً از ابتدای شکل گیری روان شناسی در واژگان این علم موجود بوده است. با این وجود این مفاهیم تا مدت‌ها از جایگاه قابل توجهی برخوردار نبودند و با آنها به عنوان متغیرهای سطحی برخورد می شد. فرهنگ، مفهوم وسیع و در عین حال ساده ای است که شامل الگوهای شناختی (آشکار و نهان) و تجسم آنها در نهادهای اجتماعی، اعمال و مصنوعات دست بشر است و موجب تمایز یک گروه از افراد از دسته‌ها و گروه‌های دیگر می شود (جوشن لو و رستمی، ۱۳۸۸). یکی از سازهای نسبتاً جدید که به توانایی تعامل مؤثر در میان فرهنگ‌ها اشاره می کند مفهوم هوش فرهنگی^۱ است که برای نخستین بار توسط ارلی و انگ^۲ مطرح شد. هوش فرهنگی توانایی فرد در سازگاری موفقیت آمیز با محیط‌های فرهنگی جدید تعریف می شود که معمولاً با بافت فرهنگی خود فرد نا آشناست. (ارلی و انگ، ۲۰۰۳). این هوش، با تمرکز بر قابلیت‌های خاصی که برای روابط شخصی با کیفیت و اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم است، بر جنبه‌ای دیگر از هوش شناختی تمرکز دارد. (رحمانی و تهرانی پور، ۱۳۸۸). در واقع هوش فرهنگی توانایی بروز عکس العمل در برابر اهالی فرهنگ‌های بیگانه است و همانند هوش اجتماعی (توانایی تعامل با دیگران) و هوش هیجانی (توانایی تعدیل و استفاده از احساسات افراد) از سطوح مختلفی تشکیل شده است. این هوش به فرد کمک می کند که به نحو مؤثری تفاوت‌های بین فرهنگی را کنترل و مدیریت نموده (خاشع و مستمع، ۱۳۹۰) و بدین ترتیب در برخورد با سایر فرهنگ‌ها رفتار درستی را در پیش گیرد (توماس و اینکسن^۳، ۲۰۰۴؛ ترجمه میرسپاسی، ودادی و دشتی، ۱۳۸۷).

مفهوم دیگری است که طی سال‌های اخیر مورد توجه حوزه‌های تحقیق در روانشناسی قرار گرفته است مفهوم هوش هیجانی است که به اعتقاد بار - آن^۴ (۱۹۹۷)، به نقل از مایر، سالوی و کاروسو^۵، (۲۰۰۰) عبارتست از یک سری ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیر شناختی که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی افزایش می دهد. هوش هیجانی ظرفیت درک و کنترل هیجانات خود و دیگران است (کمپ و همکاران^۶، ۲۰۰۵؛ به نقل از یارمحمدیان و کمالی، ۱۳۸۶) و شامل آن دسته از جنبه‌های زیر بنایی رفتار فردی است که به طور کامل با توانایی‌های عقلانی و تفکری او متفاوت است (برادبری و گریوز^۷ ترجمه ابراهیمی، ۱۳۸۷). هوش هیجانی یک حیطة چند عاملی از مجموعه مهارت‌ها و صلاحیت‌ها ی

۱. Cultural Intelligence

۲. Early & Ang

۳. Thomas & Inkson

۴. Bar On

۵. Mayer & Salovey & Caruso

۶. Kemp and et al.

۷. Bradberry & Greaves

اجتماعی است که بر توانایی‌های فرد، تشخیص، درک و مدیریت هیجان، حل مسئله و سازگاری تأثیر می‌گذارد و به طور مؤثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش‌های زندگی سازگار می‌کند. (صفوی، موسوی لطفی، لطفی، ۱۳۸۸).

سازگاری به همه راهبردهایی گفته می‌شود که فرد برای اداره کردن موقعیت‌های استرس‌زای زندگی به کار می‌برد (سادوک و سادوک، ۲۰۰۳) و سازگاری اجتماعی از نظر ویزمن^۲ (۱۹۷۵) انعکاسی از تعامل انسان با افراد دیگر، رضایت از کنش‌های فرد و نحوه عملکرد در نقش‌هاست که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخصیت، فرهنگ و روابط خانوادگی قرار دارد (حیدری، ۱۳۸۷). خصوصیات شخص (مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزشها و حالات بدنی) و حساسیت موقعیت‌هایی که فرد با آن روبه‌رو می‌شود از جمله عواملی هستند که بر سازگاری با محیط و تغییرات آن مؤثرند و از آنجا که شخص و محیط همواره در حال تغییرند این دو عامل در تعیین سازگاری، خوشنودی و کامیابی فرد تأثیر می‌گذارند زیرا سازگاری همواره باید بین این دو عامل خاص صورت پذیرد (قاطع زاده، ۱۳۸۴).

در پژوهشی تسای و لاورنس^۳ (۲۰۱۱) بیان کردند که سطح هوش فرهنگی می‌تواند بر سازگاری فرهنگی مؤثر باشد. نتیجه حاصل از پژوهش ایچن^۴ (۲۰۰۹) نیز نشان داد هوش فرهنگی پیش‌بینی‌کننده سازگاری بین فرهنگی و شوک فرهنگی است و هوش هیجانی به عنوان میانجی ارتباط بین هوش فرهنگی و سازگاری فرهنگی می‌باشد.

تفاوت‌های گروه‌های قومی، سن و جنس در سازگاری اجتماعی نوجوانان در پژوهشی توسط مری بسیل^۵ (۲۰۱۱) مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن نشان داد که بین گروه‌های قومی و سنی از نظر سازگاری اجتماعی تفاوت وجود دارد. بین زنان و مردان نیز از نظر سازگاری اجتماعی تفاوت ناچیزی به دست آمد.

پتل^۶ (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان داد که الگوهای ارتباط بین فردی در تفاوت جنسی زنان و مردان و سازگاری اجتماعی به طور متقابل به یکدیگر وابسته هستند. سازگاری اجتماعی مردان بهتر از گروه زنان است و الگوهای ارتباط بین فردی و سازگاری اجتماعی به هم وابسته نیستند.

تفاوت‌های جنسی و سنی در هوش هیجانی نیز در پژوهش المران و پنمکی^۷ (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این پژوهش نشان داد که جنسیت با هوش هیجانی رابطه داشته و دختران از مهارت‌های بین فردی بالاتری برخوردارند.

۱. Sadock and Sadock

۲. Weiss man

۳. Tsai and Lawrence

۴. Yi-chen

۵. Mary Basil

۶. Patel

۷. Alumran and Punamaki

نتیجه حاصل از پژوهش آدیمو^۱ (۲۰۰۸) نیز حاکی از آن بود که بین زنان و مردان از نظر هوش هیجانی تفاوت وجود دارد و زنان در مقایسه با مردان از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند. در پژوهشی دیگر ساکلوفسکی و همکاران^۲ (۲۰۰۷) نشان دادند که نمرات زنان در مقیاس های هوش هیجانی و شخصیت بالاتر از نمرات مردان است.

دیوید، ون روی و چاکلینگام^۳ (۲۰۰۴) نیز در تحقیقی با هدف مقایسه هوش هیجانی زنان و مردان، به این نتیجه رسیدند که بین مردان و زنان، از نظر هوش هیجانی تفاوت معنی داری وجود دارد و زنان، از هوش هیجانی بالاتری نسبت به مردان برخوردارند.

در ایران نیز، فیضی (۱۳۸۹) در پژوهشی به مقایسه هوش فرهنگی داوطلبان ورزشی دختر و پسر پرداخت نشان داد که بین ابعاد هوش فرهنگی و نیز هوش فرهنگی به طور کلی در داوطلبان دختر و پسر اختلاف معناداری وجود ندارد و در بین ابعاد هوش فرهنگی تنها در بعد استراتژی هوش فرهنگی بر اساس سابقه کار داوطلبی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه حاصل از پژوهش ودادی، خیری و عباس زاده (۲۰۱۰) نیز بیانگر آن بود که بین هوش فرهنگی و ابعاد مختلف آن (از جمله استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار) با نیاز به پیشرفت مدیران رابطه بالایی وجود دارد.

آقا یوسفی و شریف (۱۳۹۰) در تحقیقی رابطه حس انسجام و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان داد که افزایش خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه منجر به افزایش انسجام در دانشجویان می شود. همچنین نتیجه این پژوهش حاکی از آن بود که هوش هیجانی در دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر است.

ملایی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی به منظور بررسی تفاوت جنسیتی و هوش هیجانی در دانشجویان نشان دادند که بین دانشجویان دختر و پسر از نظر هوش هیجانی تفاوت وجود دارد و دانشجویان دختر در مؤلفه های خود کنترلی، خود آگاهی و هوشیاری اجتماعی مقیاس هوش هیجانی نمرات بالاتری داشتند و در دو خرده مقیاس خودانگیزی و مهارت اجتماعی، اختلاف معنی داری بین دو جنس مشاهده نشد.

نتیجه پژوهش دهشیری (۱۳۸۲) نیز که در میان دانشجویان دانشگاه های تهران انجام شد حاکی از آن بود که بین دانشجویان پسر و دختر در نمره کل هوش هیجانی تفاوت معنادار وجود دارد و دختران به طور معناداری دارای نمره هوش هیجانی بالاتر هستند.

خوش کنش و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان داد که بین پسران و دختران از نظر سازگاری اجتماعی، حمایت اجتماعی و نیازهای

۱. Adeyemo

۲. Saklofscke and et al.

۳. David, Van Rooy & Chockalingam

بنیادین تفاوت‌های مثبت و معناداری دیده میشود که این تفاوت به نفع پسران است. کافی (۱۳۸۹) در پژوهشی دیگر نشان داد که سازگاری تحصیلی دانشجویان پسر، بیشتر از دانشجویان دختر است ولی از نظر کامل بودن اهداف دانشجویان دختر سازگارترند. پژوهش میکائیلی منبع (۱۳۸۹) نیز مبین آن بود که در تمام مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه (سازگاری تحصیلی، اجتماعی، شخصی-هیجانی) بین دختران و پسران تفاوت معنادار وجود داشته و میانگین دختران بالاتر از پسران است. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این سؤال انجام شد که آیا بین هوش فرهنگی و هوش هیجانی و سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد دانشگاه آزاد تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز است که در سال ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه تحقیق مشتمل بر ۲۵۰ دانشجو (۱۲۵ نفر زن و ۱۲۵ نفر مرد) بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز انتخاب گردیدند.

ابزار اندازه‌گیری

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

مقیاس هوش فرهنگی: مقیاس هوش فرهنگی یک ابزار خودگزارشی است که به وسیله انگ و همکاران (۲۰۰۴) گسترش یافت و حاوی ۲۰ پرسش در ۴ خرده‌مقیاس (فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری) است. در ایران کاظمی (۱۳۸۷) در پژوهشی پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶۶ گزارش نمود. قدم پور، مهرداد و جعفری (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی پایایی آن را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه نمودند. در پژوهش حاضر نیز اعتبار یابی این مقیاس از طریق محاسبه ضریب همبستگی آن با مقیاس هوش فرهنگی کرمی (۱۳۹۰) برابر ۰/۷۲۴ و از طریق ضریب همبستگی کل مقیاس با پرسش ملاک ۰/۷۰۲ به دست آمد. همچنین ضریب پایایی این مقیاس با دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه شد که به ترتیب برابر ۰/۹۳۴ و ۰/۹۱۲ به دست آمد. در ضمن اعتبار محتوای این مقیاس نیز توسط چند متخصص روانشناسی بررسی و سئوالات آن خوب و مرتبط با موضوع ارزیابی گردید.

مقیاس هوش هیجانی شات: شات و همکاران در سال ۱۹۹۸، این پرسشنامه را براساس مدل نظری سالووی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی ساختند. این مقیاس دارای ۳۳ ماده است که هر سه مؤلفه هوش هیجانی را که عبارتند از: ارزیابی و ابراز هیجانی، تنظیم هیجانی و بهره‌برداری از هیجان را

۱. Schutte Emotional Intelligence Scale

ارزیابی می کند. خسرو جاوید (۱۳۸۱) به منظور محاسبه اعتبار، از ضریب آلفای کرونباخ و جهت محاسبه روایی سازه و همبستگی درونی خرده مقیاس هوش هیجانی از روش تحلیل عاملی استفاده کرد. ضریب آلفای کرونباخ، اعتبار هوش هیجانی کل را $a=0/61$ نشان داد. در مرحله بعدی به منظور بررسی اعتبار و روایی سازه، پرسشنامه هوش هیجانی شات در نوجوانان اعتبار یابی شد. یافته‌ها نشان داد که پرسشنامه هوش هیجانی شات در میان نوجوانان از اعتبار بالایی برخوردار است. ($a=0/81$). در ضمن تحلیل عاملی مقیاس با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی، سه عامل تنظیم هیجانی ($a=0/78$) ابزار و ارزیابی هیجانی ($a=0/6$) و بهره برداری از هیجان ($a=0/50$) را پیشنهاد می دهد. (عسگری، حیدری، نادری و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ $0/921$ و با روش تنصیف $0/831$ محاسبه شد. همچنین ضریب اسپیرمن برآون $0/908$ و ضریب گاتمن $0/901$ به دست آمد.

پرسشنامه روانی کالیفرنیا (CTP): برای اندازه گیری سازگاری فردی-اجتماعی از آزمون شخصیت سنج کالیفرنیا که یک آزمون کاغذ-مدادی خود اجرا است استفاده شده است. این مقیاس در سال ۱۹۵۳ توسط کلارک و همکاران^۲ به منظور سنجش سازش های مختلف زندگی که دارای دو قطب سازش شخصی و سازش اجتماعی است، ساخته شد و دارای ۱۸۰ سؤال دو گزینه ای (از نوع بلی و خیر) و ۱۲ خرده مقیاس است که نیمی از آنها برای سنجش سازش فردی و بقیه جهت اندازه گیری سازگاری اجتماعی است. شافر^۳ در کتاب سالنامه ی اندازه گیریهای روانی، در مورد آزمون شخصیتی کالیفرنیا بر پایه مطالعات انجام شده، ضرایب پایایی نمره های آزمون را برای مقیاس سازش اجتماعی $0/86$ تا $0/90$ و برای خرده مقیاس های آزمون بین $0/60$ تا $0/87$ و برای کل آزمون $0/91$ تا $0/93$ بوده است. اصفهانی اصل (۱۳۸۱)، در تحقیقی میزان ضرایب پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل آزمون $0/90$ و $0/93$ محاسبه کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ $0/976$ و با روش تنصیف $0/985$ محاسبه شد. همچنین ضریب اسپیرمن برآون $0/987$ و ضریب گاتمن $0/986$ به دست آمد.

نتایج پژوهش

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند میانگین، انحراف معیار، حداکثر، حداقل نمرات متغیرهای مورد مطالعه و همچنین تعداد آزمودنی ها این پژوهش در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

۱. California Personality Inventor

۲. Clark etal.

۳. shaffer

جدول ۱ : میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی ها در متغیرهای تحقیق

متغیر	شاخص آماری آزمودنی ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد
هوش فرهنگی	دانشجویان زن	۹۰/۷۲۵۸	۲۳/۰۷۳۰۰	۳۷	۱۲۸	۱۲۵
	دانشجویان مرد	۶۶/۲۳۲۰	۲۸/۸۸۵۹	۲۵	۱۳۰	۱۲۵
	کل دانشجویان	۷۸/۴۲۹۷	۲۸/۸۴۲۶۶	۲۵/۰۰	۱۳۰/۰۰	۲۵۰
هوش هیجانی	دانشجویان زن	۱۰۹/۷۳۳۹	۲۰/۱۳۴۹۵	۶۰	۱۳۸	۱۲۵
	دانشجویان مرد	۹۱/۱۳۶۰	۲۳/۴۳۵۶۹	۵۸	۱۳۶	۱۲۵
	کل دانشجویان	۱۰۰/۳۹۷۶	۲۳/۷۱۷۲۲	۵۸/۰۰	۱۳۸/۰۰	۲۵۰
سازگاری فردی - اجتماعی	دانشجویان زن	۵۳۵/۱۹۳۵	۶۰/۵۲۹۴۶	۳۷۱	۶۴۲	۱۲۵
	دانشجویان مرد	۴۷۵/۷۲۸۰	۶۷/۴۷۶۸۰	۳۳۴	۶۲۸	۱۲۵
	کل دانشجویان	۵۰۵/۳۴۱۴	۷۰/۵۷۸۲۰	۳۳۴/۰۰	۶۴۲/۰۰	۲۵۰

همان طوری که در جدول شماره ۱ ملاحظه می شود میانگین و انحراف معیار در متغیر هوش فرهنگی در مجموع آزمودنیها به ترتیب برابر $۲۸/۸۴۲۶۶$ و $۷۸/۴۲۹۷$ می باشد. در متغیر هوش هیجانی نیز میانگین و انحراف معیار کل نمونه برابر $۱۰۰/۳۹۷۶$ و $۲۳/۷۱۷۲۲$ می باشد و در متغیر سازگاری فردی-اجتماعی میانگین و انحراف معیار به ترتیب $۷۰/۵۷۸۲۰$ و $۵۰۵/۳۴۱۴$ به دست آمد.

ب) یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر شامل فرضیه‌های زیر است که هر فرضیه همراه با نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آن در این بخش ارائه می گردد.

فرضیه اول: بین میزان هوش فرهنگی دانشجویان زن و مرد تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان هوش هیجانی دانشجویان زن و مرد تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم: بین میزان سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد تفاوت وجود دارد.

جدول ۲ : نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات هوش فرهنگی، هوش**هیجانی و میزان سازگاری فردی - اجتماعی دانشجویان زن و مرد**

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF اشتباه	F	سطح معنی داری (P)
آزمون اثر پیلایی	۰۹۸۷/	۳	۲۴۵/۰۰۰	۶۱۰/۱۳۳۱	۰/۰۰۰۰
آزمون لامبدای ویلکز	۰۱۳/.	۳	۲۴۵/۰۰۰	۶۱۰/۱۳۳۱	۰/۰۰۰۰
آزمون اثر هتینگ	۷۱۰/۷۴	۳	۲۴۵/۰۰۰	۶۱۰/۱۳۳۱	۰/۰۰۰۰
آزمون بزرگترین ریشه روی	۷۱۰/۷۴	۳	۲۴۵/۰۰۰	۶۱۰/۱۳۳۱	۰/۰۰۰۰

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می شود سطوح معنی داری همه آزمونها، بیانگر آن هستند که بین دانشجویان مرد و زن حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای (هوش فرهنگی، هوش هیجانی و سازگاری فردی-اجتماعی) تفاوت معنی داری وجود دارد، برای پی بردن به تفاوت، نتایج حاصل از آزمون اثرات بین آزمودنی ها، در جدول ۳ ارائه شده است.

با توجه به یافته های جدول ۳، ملاحظه می شود بین دانشجویان مرد و زن از لحاظ میزان هوش فرهنگی تفاوت معنی داری وجود دارد ($p = 0/0001$ و $F=54/594$). بنابراین فرضیه اول تأیید می گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین دانشجویان مرد (میانگین $66/232$ و انحراف معیار $2/339$) و میانگین دانشجویان زن (میانگین $90/726$ و انحراف معیار $2/349$)، دانشجویان زن از هوش فرهنگی نسبتاً بالاتری برخوردارند.

جدول ۳: نتایج اثرات بین آزمودنی ها از لحاظ نمرات هوش فرهنگی، هوش هیجانی و سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری (p)	مجذورات اتا	توان مشاهده شده
هوش فرهنگی	37346/071	1	37346/071	54/594	0/0001	0/181	1/000
هوش هیجانی	21530/733	1	21530/733	45/080	0/0001	0/154	1/000
سازگاری فردی-اجتماعی	220121/877	1	220121/877	53/554	0/0001	0/178	1/000

با توجه به یافته های جدول فوق مشاهده می شود که بین دانشجویان مرد و زن از لحاظ میزان هوش هیجانی تفاوت معنی داری وجود دارد ($p = 0/0001$ و $F=45/080$). بنابراین فرضیه دوم تأیید می گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین دانشجویان مرد (میانگین $91/136$ و انحراف معیار $1/955$) و میانگین دانشجویان زن (میانگین $109/734$ و انحراف معیار $1/963$)، دانشجویان زن از هوش هیجانی نسبتاً بالاتری برخوردارند.

با توجه به نتایج جدول ۳ ملاحظه می شود بین دانشجویان مرد و زن از لحاظ میزان سازگاری فردی-اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد ($p = 0/0001$ و $F=53/554$). بنابراین فرضیه سوم نیز تأیید می گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین دانشجویان مرد (میانگین $475/728$ و انحراف معیار $5/734$) و میانگین دانشجویان زن (میانگین $535/194$ و انحراف معیار $5/757$)، دانشجویان زن از سازگاری فردی اجتماعی نسبتاً بالاتری برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به آنکه هدف از پژوهش حاضر مقایسه هوش فرهنگی، هوش هیجانی و سازگاری فردی-اجتماعی دانشجویان زن و مرد بود، با استناد به یافته های به دست آمده به تبیین فرضیه های پژوهشی پرداخته می شود:

فرضیه اول: بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان هوش فرهنگی تفاوت وجود دارد.

بر اساس یافته های حاصل از این تحقیق بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ میزان هوش فرهنگی تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=54/594$ و $p=0/0001$). بنابراین فرضیه اول تأیید شد. نتیجه این تحقیق با نتیجه پژوهش فیضی (۱۳۸۹) مبنی بر عدم وجود تفاوت بین هوش فرهنگی داوطلبان ورزشی دختر و پسر، همخوانی ندارد. هوش فرهنگی سازه نسبتاً جدیدی است که لازمه برقراری ارتباطات مؤثر میان فرهنگی محسوب می شود. (دوستار، ۱۳۸۷) و اکثر پژوهشهای انجام شده در این حوزه به بررسی همبستگی این سازه با سایر متغیرها پرداخته اند لذا تحقیقی یافت نشد که همسو با پژوهش حاضر انجام شده باشد. هوش فرهنگی در واقع توانایی است که به فرد کمک می کند فهم بین فرهنگی اش را افزایش دهد و این مفهوم بدان معنا نیست که تفاوتهای فرهنگی نادیده انگاشته شود بلکه به این معناست که در موقعیت های بین فرهنگی چگونه می توان هوشمندانه رفتار کرد. این هوش یکی از مهمترین مشخصه های مشترک بین افرادی است که می توانند خود را با فرهنگهای متفاوت سازگار کنند. افرادی همچون دانشجویان یا کارکنان سازمانهایی که در کشورها یا شهرهای بیگانه به تحصیل یا کار می پردازند. (ادیب راد، ۱۳۸۶). ارتقای هوش فرهنگی از تعاملات اجتماعی ناشی می گردد (توماس و اینکسن، ۲۰۰۴؛ ترجمه میرسپاسی، ودادی ودشتی، ۱۳۸۷) و تعاملات اجتماعی که هسته اصلی هر جامعه محسوب می شود موجب می گردد که کنشگران با گسترش پیوندهای خود، کنش های خود را در ساختار جامعه تسهیل نموده و از این طریق به اهداف خود برسند (باستانی و هیکوئی، ۱۳۸۹). رشد ارتباطات اجتماعی و پیشرفتهای شتابناک در زمینه های گوناگون اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف، که رویارویی فرهنگهای مختلف را نیز در پی داشته از طرفی تغییراتی را نیز در ساختار جوامع به وجود آورده که یکی از این تغییرات حضور پررنگ تر زنان در جامعه، نسبت به گذشته است به گونه ای که گاه دیده می شود که زنان همپای مردان در اجتماع حاضر شده و نقش آفرینی می کنند. لذا عواملی چون تمایل روز افزون زنان به حضور در اجتماع از طریق تحصیل یا کسب درآمد که گاه باعث مهاجرت در بین آنها می گردد و نیز تمایل زنان به تثبیت موقعیت و پذیرششان از سوی جامعه منجر شده که این قشر از جامعه تمایل بیشتری به برقراری ارتباط با افراد سایر فرهنگها داشته و بدین ترتیب از هوش فرهنگی بالاتری برخوردار باشند.

فرضیه دوم: بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان هوش هیجانی تفاوت وجود دارد.

بر اساس یافته های حاصل از این پژوهش بین دانشجویان زن و مرد از لحاظ میزان هوش هیجانی تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=45/080$ و $p=0/0001$). بنابراین فرضیه دوم تأیید می گردد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات آدیمو (۲۰۰۸)، ال عمران و پانمکی (۲۰۰۸)، ساکلوفسکی و همکاران (۲۰۰۷)، دیوید، ون روی و چاکلینگام (۲۰۰۴)، آقا یوسفی و شریف (۱۳۹۰)، ملایی و همکاران (۱۳۹۰)، دهشیر (۱۳۸۲) همخوانی دارد.

توجه به هیجان ها و کاربرد مناسب آنها در روابط انسانی، موضوعی است که در دهه های

گذشته با عنوان هوش هیجانی معرفی شده و پیشینه آن را می توان در ایده های و کسلر به هنگام تبیین جنبه های غیر شناختی هوش عمومی جستجو کرد که معتقد بود علاوه بر عامل هوشی، عوامل غیر هوشی ویژه ای نیز وجود دارد که می تواند رفتار هوشمندانه را مشخص کند (جلالی، ۱۳۸۱). هوش هیجانی مجموعه ای از توانایی های غیر شناختی، دانش ها و مهارتهایی است که بر توانایی رویارویی موفقیت آمیز با خواسته ها - مقتضیات و فشار های محیطی تأثیر می گذارد و تسهیل کننده موفقیت هاست. (شریفی در آمدی، ۱۳۸۶). این هوش مهارتی انعطاف پذیر است که به آسانی آموخته می شود و شرایط مهم زندگی می تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد. (برادبری و گریوز، ۲۰۰۵؛ ترجمه گنجی، ۱۳۸۶). بنابراین افراد به اقتضای شرایط زندگیشان از میزان متفاوتی از این هوش بهره دارند. لذا در تبیین نتیجه حاصل از این پژوهش می توان اذعان داشت که دانشجویان دختر مورد مطالعه در این پژوهش نسبت به دانشجویان پسر بهره بیشتری از هنر برقراری ارتباط، مهارت کنترل عواطف در دیگران و انعطاف پذیری در احساس های خود دارند و برای واکنش های هیجانی نیز اهمیت بیشتری قائلند. بدین ترتیب برخورد عاطفی تر زنان با مسائل، توجه بیشتر آنان به علائم اجتماعی ظریفی که نشان دهنده نیازها یا خواسته های دیگران است، برخورداری از احساس همدلی بیشتر و بالاخره مهارت آنان در ادراک، تنظیم و استفاده از هیجانات برای ایجاد روابط اجتماعی (سیاروجی، چن و بجر، ۲۰۰۴، به نقل از بیسسر، ۲۰۱۱) می تواند از جمله عواملی باشد که به برتری نمره هوش هیجانی زنان نسبت به مردان کمک کند.

فرضیه سوم: بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان سازگاری فردی - اجتماعی تفاوت وجود دارد.

همان طوری که در جدول ۳ ملاحظه می شود بین دانشجویان مرد و زن از لحاظ میزان سازگاری فردی - اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=53/554$ و $p=0/001$). بنابراین فرضیه سوم تأیید می گردد. نتیجه این پژوهش با یافته های مری بسیل (۲۰۱۱)، پتل (۲۰۰۹)، میکائیلی منیع (۱۳۸۹)، کافی (۱۳۸۹)، خوش کنش و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد. در تبیین فرضیه حاضر می توان گفت که سازگاری مسئله ای است که مختص انسان نمی باشد و هر موجود زنده ای به فراخور وجود خود و به اقتضای طبیعت و مرحله تکاملی که به آن دست یافته، ناچار است به طریقی که تضمین کننده حیات و بقای اوست خود را با محیط پیرامون سازگار نماید (فتحی، رضاپور، یاقوتی آذر، ۱۳۸۹) بدین منظور انسان به عنوان موجودی اجتماعی همواره در صدد کسب مهارتهایی جهت تسهیل ارتباط خود با دیگران بوده تا به این ترتیب به سازگار ی با محیط نائل شود. سازگاری یک تمایل ذاتی روان شناختی برای کنار آمدن با چالش هایی زندگی (مری بسیل، ۲۰۱۱) و جریانی پویاست که به پاسخ فرد نسبت به محیط و تغییراتی که در آن رخ می دهد اشاره دارد. سازگاری موجب تسلط فرد بر محیط اطراف شده و از طریق هماهنگ

۱. Ciarrochi, Chan, & Bajar

۲. Bissessar

ساختن افراد با تغییرات روزمره باعث می شود که فرد بتواند زندگی را در صلح و آرامش سپری کند. فرد سازگار از سلامت روان، مهارت های اجتماعی و قدرت انطباق با محیط برخوردار بوده (هومن، کوشکی، قاسمی، ۱۳۸۹) و می تواند آنها را به موقع و در جای خود به کار ببرد. همواره هوشیار و گوش به زنگ است و با اشتیاق به حل و فصل مشکلاتی که بر سر راهش قرار می گیرد، می پردازد. سازگاری یک پدیده تک علتی محسوب نمی شود بلکه فرایندی است که برآیند تأثیر عوامل متعدد فردی، خانوادگی و محیطی است. جنسیت نیز به عنوان یک از عوامل مرتبط با سازگاری که در برخی پژوهشها مورد بررسی قرار گرفته نتایج متفاوتی به دنبال داشته است که این امر نیز می تواند حاکی از تجارب متفاوت اشخاص در طول زمان باشد که تفاوت های فردی را در سازگاری آنها پدید آورده است، لذا در تبیین نتیجه این پژوهش می توان رشد اجتماعی زنان، اجتناب از تنهایی و انزوا در آنان، تمایل به کسب مقبولیت اجتماعی و تمایل آنان به برقراری ارتباط نزدیک و صمیمی با دوستان و خانواده، به منظور کسب حمایت آنها (کتل^۱، ۱۹۹۸)، را از جمله عوامل مؤثر بر سازگاری بیشتر زنان نسبت به مردان دانست.

Archive of SID

۱. Kettl

منابع

- آقا یوسفی، علیرضا؛ شریف، نسیم (۱۳۹۰). بررسی رابطه حس انسجام و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران، مطالعات روان شناختی، دوره هفتم، شماره ۱۳، صص ۵۱-۷۳.
- اصفهان‌ای اصل، مریم (۱۳۸۱). مقایسه سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر سال سوم نظام جدید، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- ادیب‌راد، نسترن (۱۳۸۶). هوش فرهنگی در سازمان‌های امروزی، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره ۱، شماره ۱، صص: ۲۵-۳۶.
- باستانی، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صص ۶۳-۹۵.
- برادبری، تراویس؛ گریوز، جین (۱۳۸۷). EQ چیست و چرا مهم تر از IQ است، ترجمه هادی ابراهیمی، چاپ اول، تهران: نشر نو اندیش.
- برادبری، تراویس؛ گریوز، تراویس (۲۰۰۵). هوش هیجانی: مهارت‌ها و آزمون‌ها. ترجمه حمزه گنجی (۱۳۸۶). چاپ دوم، نشر ساوالان.
- توماس، دیوید. سی؛ اینکسن، کر (۲۰۰۴). مهارت‌های انسانی برای کسب و کارهای جهانی: هوش فرهنگی، ترجمه ناصر میرسپاسی، احمد ودادی و اعظم دشتی (۱۳۸۸). چاپ اول، تهران: میثاق.
- جلالی، سیداحمد (۱۳۸۱). هوش هیجانی. نشریه پژوهش‌گده تعلیم و تربیت، فصلنامه تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش، سال هجدهم، شماره ۱-۲، صص ۸۹-۱۰۳.
- جوشن‌لو، محسن؛ رستمی، رضا (۱۳۸۸). روان‌شناسی بین فرهنگی، چاپ اول، تهران: ارجمند.
- حیدری، مصطفی (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی دانشجویان پسر دانشگاه قم. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران.
- خاشع، وحید؛ مستمع، محمد (۱۳۹۰). هوش فرهنگی مدیران، عامل کلیدی موفقیت در مدیریت سازمان‌های هزاره سوم، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۵۱ و ۵۲.
- خسرو جاوید، مهناز (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شات در نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- خوش‌کنش، ابوالقاسم؛ اسدی، مسعود؛ شیرعلی‌پور، اصغر؛ کشاورز افشار، حسین (۱۳۸۹). پژوهشی نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه. فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال چهارم، شماره ۱ (۱۳)، صص ۸۲-۹۴.
- دوستار، محمد (۱۳۸۷). مدیریت شوک فرهنگی در سازمانها و مؤسسات بین‌المللی، پیک نور، سال هفتم، شماره سوم، صص ۲۷-۳۸.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه بهره هیجانی بار-آن برای ارزیابی جنبه‌های مختلف

هوش هیجانی دانشجویان دانشگاههای تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

رحمانی، زین العابدین؛ تهرانی پور، رضا. (۱۳۸۸). هوش فرهنگی؛ نیاز مدیران امروزی، نشریه صنعت خودرو، سال دوازدهم، شماره ۱۲۷.

شریفی در آمدی، پرویز. (۱۳۸۶). هوش هیجانی و معنویت. چاپ اول، تهران: انتشارات سپاهان.

صفوی، محبوبه؛ موسوی لطفی، سیده مریم؛ لطفی، رضا (۱۳۸۸). بررسی همبستگی بین هوش هیجانی و سازگاری عاطفی - اجتماعی دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی شهر تهران، مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال چهاردهم، شماره ۵، صفحات ۲۵۵-۲۶۱.

عسگری، پرویز؛ حیدری، علیرضا؛ نادری، فرح؛ مرعشیان، فاطمه؛ نقی پور، سیما؛ ضمیری، امین. (۱۳۸۸).

راهنمای آزمون های روان شناختی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

فتحی، آیت اله؛ رضای پور، یوسف؛ یاقوتی آذر، شهرام (۱۳۸۹). تعیین رابطه بین نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی، (۲۵): ۱۴۶-۱۳۱.

فیضی، سمیرا (۱۳۸۹). مقایسه هوش فرهنگی و طلبان ورزشی دختر و پسر دهمین المپیاد فرهنگی - ورزشی دانشجویان کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران.

قاطع زاده، عبدالامیر (۱۳۸۴). رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین با رفتار سازش دانش آموزان دختر پایه های سوم و چهارم ابتدایی شهرستان دشت آزادگان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

قدم پور، عزت الله؛ مهرداد، حسین؛ جعفری، حسنعلی (۱۳۹۰). بررسی رابطه ی بین ویژگی های شخصیتی و هوش فرهنگی کارکنان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان، فصلنامه روان شناسی تربیتی، سال دوم، شماره اول، صص ۸۱-۱۰۱.

کاظمی، معصومه (۱۳۸۷). بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المصطفی العالمیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت دولتی، دانشگاه تهران.

کافی، سیدموسی (۱۳۸۹). مقایسه سازگاری تحصیلی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه گیلان، تازه ها و پژوهشهای مشاوره، دوره ۹، شماره ۳۶، صص ۱۴۰-۱۲۷.

کرمی، رعنا (۱۳۹۰). ساخت و هنجاریابی هوش فرهنگی: تهران: انتشارات روان سنجی.

ملایی، عین اله؛ آسایش، حمید؛ تقوی کیش، بهزاد؛ قربانی، مصطفی (۱۳۹۰). تفاوت جنسیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی بویه گرگان، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۳۰-۳۴.

میکائیلی منبع، فرزانه (۱۳۸۹). رابطه سبکهای هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه، مطالعات روان شناختی، دوره ۶، شماره ۲.

هومن، حیدرعلی؛ کوشکی، شیرین؛ قاسمی، لیلی (۱۳۸۹). بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم یابی آزمون پاره تست سازگاری فردی و رابطه آن با سلامت روان در دانش آموزان دوره اول دبیرستان،

تحقیقات روانشناختی، دوره دوم، شماره هشتم، صص ۸۷-۱۰۲.
 یارمحمدیان، احمد؛ کمالی، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی رابطه هوش هیجانی با خودشکوفایی دانش آموزان پایه اول دبیرستان، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و ششم، شماره سوم، صص ۲۱۱-۲۲۶.

- Adeyemo, DA (2008). Demographic Characteristics and Emotional Intelligence Among Workers in Some Selected Organisations in Oyo State, Nigeria. *Vision- The Journal of Business Perspective*, 12(1): 43-48.
- Ang, S., Van Dyne, L., Koh, C. & Ng, K.Y. (2004). The measurement cultural intelligence, working Paper, presented at the Academy of management symposium on Cultural Intelligence in the 21st century, New Orleans, LA.
- Almran, J. I., & Punamaki, R. (2008). "Relationship between gender, age, academic achievement, emotional intelligence, and coping styles in Bahraini adolescents". *Individual Differences Research*, 6(1): 104-119.
- Bissessar, C. (2011). Gender, age differences and emotional intelligences: implications for work-force development. Available on: <http://uwispace.sta.uwi.edu/dspace/handle/2139/8699>
- David, L., Van Rooy, A. A. & Chockalingam, V. (2004). Group differences in emotional intelligence scores: theoretical and practical implications. *Personality and Individual Differences*, 38 (3), 689-700.
- Early, P.C. and Ang, S. (2003). *Cultural Intelligence: Individual interactions across cultures*, Stanford University Press, Stanford.
- Kettl, P. (1998). Alaska Native Suicide: Lessons for Elder Suicide. *International psychogeriatrics*, 10(2):205-211.
- Mary Basil, N. (2011). Ethnic Group, Age and Gender Differences in Social Adjustment of Teenagers in Nigeria, *International Journal of Psychological Studies*, 3(1):58-68.
- Mayer, J.D., Salovey, P., & Caruso, D. (2000). Models of emotional intelligence. R.J. Sternber (Ed.), *The hand book of intelligence* (pp 396-420). New
- Patel, K.G. (2009). A study of sociometric appraisal in relation to social adjustment of higher secondary school students. *International Referred Research Journal*, 2(21), 36-40.
- Sadock, B.J., Sadock, V.A. (2003). *synopsis of psychiatry Philadelphia*: lippincott williams & wilkins.
- Saklofske, D.H., Austin, E.J., Rohr, B.A., & Andrews, J. (2007). Personality, emotional intelligence and exercise. *Journal of Health Psychology*, 12 (6).
- Salovey, P. & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9, 185-211.
- Schutte, N.S., Malouff, J.M., Hall, L.E., Haggerty, D.J., Cooper, J.T., Golden, C.J., et al. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Tsai, T. & Lawrence, N. (2011). The relationship between cultural intelligence and cross-cultural adaptation of international students in Taiwan. *International conference on management (ICM) Proceeding*. available on: http://www.internationalconference.com.my/proceeding/icm2011_proceeding/044_373_ICM2011_PG0569_0583_CULTURAL_INTELLIGENCE.pdf
- Vedadi, A., Kheiri, B., Abbasalizadeh, M. (2010). The relationship between cultural intelligence and achievement: a case study in an Iranian company. *Iranian Journal of Management Studies*

(IJMS),3(3) : 25 - 40.

Yi-Chen, Sung. (2009). A Study of the Relationship among Cultural Intelligence, Emotional Intelligence, Cultural Shock, and Cross-cultural Adjustment. Department of Business Administration, National Chung Hsing University Institutional Repository – NCHUIR. Available on: <http://nchuir.lib.nchu.edu.tw/ir/handle/309270000/32746>

Archive of SID